



درس پانزدهم

# سیر و موش



بود شیری به بیشه‌ای هفته  
آن قدر گوش شیر گاز گرفت  
تا که از خواب، شیر شد بیدار  
دست برد و گرفت کله‌ی موش  
خواست در زیر پنجه له کندش  
گفت: «ای موش لوس یک‌غازی  
موش بچاره در هراس افتاد

موشکی کرد خوابش آشفته  
که رها کرد و گاه باز گرفت  
متغیر ز موش بد رفتار  
شد گرفتار، موش بازی‌گوش  
به هوا برده بر زمین زندش  
با دم شیر می‌کنی بازی؟»  
گریه کرد و به التماس افتاد

موش هیچ است پیش شاه و حوش  
از تو امید مغفرت دارم  
پنجه وا کرد و موش را ول کرد  
شیر را آمد این بلا بر سر  
در همان حول و حوش، دام نهاد  
عوضِ گرگ، شیر گیر افتاد  
از برای خلاص او بشتافت  
تا که در بُرد شیر از آنجا جان  
خود رها شد ز پنجه‌ی صیاد

ایرج میرزا 

که تو شاه و حوشی و من موش  
تو بزرگی و من خطا کارم  
شیر از این لابه، رحم حاصل کرد  
اتفاقاً سه چار روز دگر  
از پی صید گرگ، یک صیاد  
دامِ صیاد، گیرِ شیر افتاد  
موش چون حال شیر را دریافت  
بندها را جوید با دندان  
شیر چون موش را رهایی داد



## درست و نادرست

- ۱ شیر، خطای موش را بخشید.
- ۲ صیّاد برای شکار شیر، دام نهاده بود.
- ۳ فقط افراد قوی می‌توانند به دیگران کمک کنند.

## درک مطلب



۱ موش برای رهایی از چنگال شیر چه کرد؟

۲ هدف صیّاد از گذاشتن دام چه بود؟

۳ از میان ویژگی‌های زیر، یک ویژگی برای شیر و یک ویژگی برای موش انتخاب کنید. از

متن برای پاسخ خود دلیلی بیاورید.

■ باهوش ■ قوی پنجه ■ بازیگوش ■ قدرشناس ■ بزرگ منش ■ ترسو

۴ از بیت زیر چه پندی می‌گیرید؟


« شیر چون موش را رهایی داد  
خود رها شد ز پنجه‌ی صیّاد»


..... ۵




## واژه‌آموزی



سبزه‌زار جایی است که پر از سبزه است. 


گندم‌زار مزرعه‌ای است که در آن گندم روییده است. 

نی‌زار جایی است که نی روییده است. 

حالا شما بگویید:

نمک‌زار جایی است که ..... 

چمن‌زار جایی است که ..... 

گل‌زار جایی است که ..... 



## قصه گویی و صدلی صمیمیت



### ۱ پایان مناسب:

آخرین گام در قصه گویی خوب پایان دادن قصه است. قصه گو با کند کردن سرعت بیان و پایین آوردن آهنگ صدای خود، قصه را به پایان می برد.

### ۲ انتخاب

قصه: حالا شما یکی از قصه هایی را که قبلاً خوانده اید یا شنیده اید، انتخاب کنید.

### ۳ تفکر:

قصه را در ذهن خود مرور کنید.

### ۴ گفتار و پایان

قصه: هر وقت آماده شدید، روی صدلی معلم بنشینید و آن را برای دوستانتان روایت کنید. برای پایان قصه می توانید از عبارت های زیر استفاده کنید:

- بالا رفتیم ماست بود، قصه ی ما راست بود.
- قصه ی ما به سر رسید.